

در آمدی بر تربیت نسل منتظر

(قسمت چهارم)

علی محمد رفیعی محمدی



عکس: وهب رامزی

اشاره:

نویسنده در قسمت‌های پیشین به تبیین سه اصل: ۱. سلامت نفس مربی، ۲. اصل تفاوت‌های فردی، ۳. صبر و سعه صدر، برای تربیت نسل منتظر پرداخت. در این قسمت چهارمین اصل تربیتی را با شما عزیزان در میان می‌گذارد.

۴. اصل محبت

محبت یکی از نیازهای اساسی روان انسان است و همان‌گونه که آدمی به آب، غذا و دیگر امکانات احتیاج دارد، به محبت هم نیازمند است. آدمی خود را دوست دارد و می‌خواهد محبوب دیگران باشد. محبت در تربیت صحیح و متعادل مرتباً تأثیر فراوان دارد.

رسول خدا(ص) فرمودند: «به کودکان محبت کنید، بر آنان رحمت آورید و هر گاه به آنان وعده دادید، به وعده خود وفا کنید، زیرا به گمان آنان، شما به آنان روزی می‌رسانید».

امام صادق(ع) نیز فرمودند: «رسول خدا(ص) فرمودند: کسی که فرزند خود را ببوسد برای او حسنه نوشته می‌شود». همان حضرت فرمودند: «فرزندان را زیاد ببوسید، زیرا به ازای هر بوسه، برای شما در بهشت، درجه‌ای هست که میان هر درجه با درجه دیگر پانصد

سال راه است».

محبت در پرورش صحیح و متعادل جسم و جان کودک تأثیرات فراوانی دارد که در امور زیر خلاصه می‌شود: ۱. محبت برای انسان یک نیاز طبیعی است. کودک بیش از بزرگ‌ترها به آن نیاز دارد. کودک چندان توجهی ندارد که در کوخ زندگی می‌کند یا در کاخ، به نوع لباس و غذای خود نیز چندان توجهی ندارد؛ اما در این جهت که محبوب دیگران هست یا نه، کاملاً دقت و حساسیت دارد.

۲. تعادل روح: محبت چون یک نیاز طبیعی است وجود و عدم آن در تعادل و عدم تعادل روح تأثیر فراوانی دارد. کسی که به زندگی امیدوار و دلگرم است، خود را در این جهان پرآشوب، تنها و بی‌کس نمی‌داند تا تعادل و آرامش نفسانی خویش را از دست بدهد. در پرتو محبت، صفات عالی انسانی و عواطف و احساسات کودک به خوبی پرورش می‌یابد که نتیجه آن، پرورش انسانی متعادل خواهد بود.

۳. سلامت جسم: احساس محبوبیت، در آرامش نفس تأثیر دارد و آرامش نفس نیز بدون شک در سلامت اعصاب و جسم تأثیر فراوانی خواهد داشت.

جسم و جان کودکی که از محبت‌های گرم پدر و مادر اشباع می‌شود و از آرامش نفسانی و اعتماد برخوردار

کن و احترام بزرگان را نگه دار». ابوهیریه نیز می‌گوید: «رسول خدا(ص) را دیدم که آب دهان حسن و حسین را می‌مکید، چنان‌که انسان میوه را تناول می‌نماید».

اظهار محبت

کمتر پدر و مادری را پیدا می‌کنید که قلباً فرزند خود را دوست نداشته باشند. ولی کودک به محبتی نیاز دارد که آثار آن را در رفتار پدر و مادر مشاهده کند. محبت والدین در قالب نوازش‌ها، بوسه‌ها، در آغوش گرفتن‌ها، تسبم‌ها و حتی آهنگ محبت‌آمیز سخنان پدر و مادر ظاهر می‌شود.

کودک دوست دارد با پدر و مادر سخن بگوید و اسرار دلش را با آنان در میان بگذارد. دوست دارد با آنان برای خرید به بازار، تفریح و مهمانی برود. دوست دارد به سخنانش خوب گوش دهند و پاسخگوی نیازهایش باشند.

کودک حتی دوست دارد با پدر و مادرش بازی کند. او علاقه‌مند است در خانه محترم باشد و در امور منزل مسئولیتی را بر عهده بگیرد و در واقع محبت قلبی پدر و مادر را از همین راه‌ها کشف می‌کند.

محبت خود را مشروط نکنید

محبت والدین به فرزندان یک امر طبیعی است. ممکن است والدین از بعضی کارهای فرزند خود ناراضی باشند، لیکن نمی‌توان محبت آنان را نادیده گرفت، چون یک امر طبیعی است. به والدین توصیه می‌شود محبت خود را هیچ وقت وجه معامله قرار ندهند. این درست نیست که بعضی از والدین محبت خود را وسیله نفوذ در فرزند قرار دهند، مثلاً به او بگویند: این کار را بکن تا مامان تو را دوست داشته باشد. یا اگر این کار را نکنی، دیگر تو را دوست ندارم. این کار چند عیب دارد:

الف) به اصل طبیعی ضرورت محبت پدر و مادر نسبت به فرزند لطمه وارد می‌سازد،

ب) با چنین برنامه‌ای کودک عادت می‌کند کارها را برای جلب رضایت پدر و مادر و دیگر انسان‌ها انجام دهد نه بر طبق وظیفه و برای جلب مصالح واقعی خود و دیگران،
ج) کودک را به تملق‌گویی، نفاق و فریبکاری وادار می‌سازد.

محبت مانع تربیت نباشد

بعضی از والدین چون بیش از حد به فرزندان خود علاقه دارند، بدی‌های آنان را اصلاً نمی‌بینند و اگر احیاناً عیبی در آنان دیدند یا

است، بهتر از کودکی که از چنین نعمت بزرگی محروم شده، رشد و پرورش می‌یابد.

۴. کودک اظهار محبت را یاد می‌گیرد. کودک در محیط گرم محبت، اظهار محبت را از پدر و مادر یاد می‌گیرد و خوش قلب، خیرخواه و انسان‌دوست بار می‌آید. او چون طعم شیرین محبت را چشیده، در فردای زندگی حاضر است این آب حیات را بر دیگران نیز ایثار کند.

چنین انسانی وقتی بزرگ شد، همین اظهار محبت را نسبت به همسر خود، فرزندان خود، دوستان، معاشران و همه انسان‌ها، خواهد داشت.

ای دوست برای دوست جان باید داد

در راه محبت امتحان باید داد

تنها نبود شرط محبت، گفتن

یک مرتبه هم عمل نشان باید داد

۵. کودک به محبت کننده علاقه پیدا می‌کند؛ چون انسان حبّ ذات دارد، علاقه‌مندان خود را نیز دوست دارد، و نسبت به آنان خوش‌بین می‌شود. وقتی کودک مورد محبت پدر و مادر قرار گرفت، متقابلاً به آنان علاقه‌مند می‌گردد، پدر و مادر را افرادی قدرشناس، خیرخواه و قابل اعتماد می‌شناسد و به حرف آنان بهتر گوش می‌دهد.

درس معلم ار بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

۶. مصونیت از انحرافات: اظهار محبت، کودک را از ابتلاء به عقده نفسانی و احساس کمبود حقارت مصون می‌دارد. برعکس، کودکی که از محبت‌های گرم پدر و مادر محروم بوده، یا نیاز او درست اشباع نشده، در نفس خویش احساس محرومیت کرده، نسبت به پدر و مادر و دیگرانی که او را دوست ندارند، عقده نفسانی پیدا می‌کند. طبعاً چنین انسانی در معرض هر گونه انحراف و فساد خواهد بود.

به عقیده بسیاری از دانشمندان، اکثر تند خویی‌ها، خشونت‌ها، لجبازی‌ها، زورگویی‌ها، بدبینی‌ها، اعتیادها، افسردگی‌ها، گوشه‌گیری‌ها، ناامیدی‌ها و به طور کلی ناسازگاری‌های افراد، معلول عقده حقارتی است که در اثر محرومیت از محبت به وجود آمده است.

در اثر همین کمبود محبت و احساس بی‌پناهی است که دختر جوان، در مقابل چند جمله محبت‌آمیز یک جوان فریبکار خود را می‌بازد و تسلیم هوس‌بازی‌های او می‌گردد. امام صادق(ع) فرمودند: «حضرت موسی(ع) از خدای متعال سؤال کرد: افضل اعمال چیست؟ خداوند فرمود: دوست داشتن فرزندان».

در روایت نقل شده است: «مردی خدمت رسول خدا(ص) رسید و عرض کرد: تاکنون هیچ کودکی را نبوسیده‌ام. وقتی آن مرد بیرون رفت، پیامبر(ص) به اصحاب فرمود: به نظر من این مرد اهل دوزخ است». علی(ع) در وصیت خود فرمود: «با کودکان مهربانی



دیگران آن را تذکر دادند، از آن عیب چشم‌پوشی می‌کنند. شما کودکان بی‌ادبی را می‌بینید که بچه‌ها را اذیت می‌کنند، مزاحم مردم می‌شوند، در و دیوار را کثیف و خراب می‌کنند، شیشه می‌شکنند، فحش می‌دهند و ... اینها نتیجه بی‌توجهی والدین است که آنان را نهی نمی‌کنند یا با یک خنده احمقانه یا با دفاع بی‌جا، آنان را به کارهای خلاف تشویق می‌کنند. این والدین نه تنها به فرزند خود خدمت نمی‌کنند بلکه در حق آنان خیانت مرتکب می‌شوند و لذا در قیامت بدون مؤاخذه نخواهند بود.

بهترین پدران و مادران، کسانی هستند که حساب دوستی فرزندان را از حساب تربیت جدا می‌سازند. امام باقر(ع) در این باره فرمودند: «بدترین پدران کسانی هستند که در احسان به فرزندان از حد تجاوز می‌نمایند و بدترین فرزندان کسانی هستند که با تقصیر خود، عاق پدر می‌شوند». علی(ع) نیز فرمودند: «هر کس سختی تأدیب را تحمل کند، بدی‌هایش کم خواهد شد».

زبان‌های افراط در محبت

محبت مثل آب و غذا است؛ اگر به مقدار لازم و در وقت مناسب صرف شد، مفید خواهد بود. محبت زیاد نه تنها به نفع کودک نیست، بلکه یک خیانت و اشتباه تربیتی محسوب می‌شود.

والدین باید با توجه به مشکلات احتمالی آینده، فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که برای زندگی در نشیب و فراز آینده آماده باشند. آنان باید مراقب باشند فرزندان، لوس و ناز پرورده و نازک‌نارنجی بار نیایند. عواقب محبت افراطی عبارتند از:

۱. کودک سلطه‌جو و پرتوقع می‌شود: چون والدین تسلیم خواسته‌های کودک هستند، توقعات او توسعه پیدا می‌کند و هر چیزی می‌خواهد دستور می‌دهد. در چنین شرایطی والدین برای اینکه عزیز کرده آنان آزرده نشود، خواسته‌هایش را برآورده می‌سازند. چنین کودکی، رفته رفته به یک حاکم دیکتاتور تبدیل می‌شود. مردم نه تنها چنین آدم لوسی را دوست ندارند، بلکه نسبت به برآوردن خواسته‌هایش نیز خود را ملزم نمی‌دانند. در نتیجه، این عزیز بی‌جهت از مردم رنجیده می‌شود و احساس حقارت می‌کند.

آدم‌های لوس و ناز پرورده در زندگی زناشویی خود نیز غالباً با شکست مواجه می‌شوند. پسر لوس وقتی ازدواج می‌کند، از همسر خود انتظار دارد همانند مادر، بلکه بیشتر، از او پذیرایی و پرستاری کند. اکثر خانم‌ها هم حاضر نیستند در برابر فرماندهی‌های مستبدانه شوهر تسلیم محض باشند، بدین جهت اختلافات داخلی شروع می‌شود و زندگی را به تباهی می‌کشاند.

یک دختر لوس و ناز پرورده نیز وقتی به خانه شوهر می‌رود، از او توقع دارد همانند مادر و پدر از او پذیرایی کند و به خواسته‌هایش توجه نماید، و بدون چون و چرا تسلیم خواسته‌های او باشد. در صورتی که اغلب مردها این لوس‌گری‌ها را دوست ندارند و لذا قهر و دعوا و کشمکش شروع خواهد شد و متأسفانه در برخی اوقات کار به طلاق می‌کشد.

۲. ناز پرورده‌ها غالباً روحی ضعیف، ناتوان و زودرنج دارند و خیلی سریع اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند.

۳. آدم‌های لوس و ناز پرورده غالباً خودپسند و از خودراضی هستند و عیوب خود را نمی‌بینند.

۴. کودکانی که بیش از حد مورد نوازش پدر و مادر هستند، به تدریج یاد

می‌گیرند زورگویی کنند.

راه‌های ابراز محبت:

از سه راه می‌توان محبت را به طرف مقابل؛ همسر یا فرزند بروز داد: محبت بصری، محبت ابزاری، محبت کلامی.

راه‌های ابراز محبت

۱. **محبت بصری:** یکی از راه‌های ابراز محبت، محبت چشمی است. چشم دارای امواج مثبت و منفی است. شما از نگاه خود می‌توانید پیام عشق و علاقه، محبت، تنفر، اعتراض، سؤال، انتقاد و ... را به دیگران بفرستید. لذا یکی از راه‌های بروز محبت، محبت چشمی است اینکه در روایات آمده است: نگاه شما به والدین نگاه محبت‌آمیز باشد، نشانه این است که با چشم می‌توان محبت را ارائه داد.

دانی که دلبر با دلم چون کرد و من چون کردم

او از جفا خون کرد و من از دیده بیرون کردم

۲. **محبت ابزاری:** دست دادن، هدیه دادن، بوسیدن، در آغوش کشیدن و بغل کردن نمونه‌هایی از محبت ابزاری است.

۳. **محبت کلامی:** یکی از ارتباط‌های سالم که باعث ایجاد امنیت درونی در کودکان و نوجوانان می‌کند، ارتباط کلامی زیباست. خوب حرف زدن، کلام زیبا گفتن و ساختن جملات با کلمات زیبا یک نوع محبت است. خداوند می‌فرماید: «قولوا للّٰتّٰس حسنا».

بد زبانی و استفاده از کلمات تحقیرآمیز، ساختار شخصیت فرزندان را متزلزل می‌نماید. گاهی یک کلمه زشت و تحقیرآمیز، سیستم روانی فرزند شما را به خطر می‌اندازد و امنیت درونی را از او می‌گیرد.

یا رب چه چشمه‌ای است محبت که من از آن

یک قطره خوردم و دریا گریستم

محبوب بودن، بالاترین خوشبختی در زندگی است.

ادامه دارد.

پی‌نوشت:

۱. سوره بقره (۲)، آیه ۸۳.